

بررسی تطبیقی خشونت روانی علیه زنان در عصر جاهلی و عصر نبوی، پیوستگی و گسستگی تاریخی

خدیجه منصوری^۱

علی محمد ولوی^۲

چکیده

یکی از جنبه‌های مهم خشونت علیه زنان در عصر جاهلی، خشونت روانی بود که در رفتارهایی مثل تحقیر و توهین، فحاشی، تهمت و ناراحتی شدید از دختردارشدن بازتاب داشت. پیامبر (ص) در مدت حیات خود کوشید با این سنت‌ها مبارزه کند، اما طبق چیزی که در منابع تاریخی بازتاب پیدا کرده، با وجود تلاش زیاد پیامبر برای ریشه‌کن کردن این خشونت‌های روانی، بعضی از این سنت‌ها بعد از ظهور اسلام هم به حیات خود ادامه دادند و به صورت کامل ریشه‌کن نشدند. شناسایی گونه‌های مختلف خشونت روانی در دو دوره جاهلیت و عصر نبوی بر طبق گزارش‌های تاریخی، میزان بازتولید و تغییرات این سنت را پس از ظهور اسلام منعکس می‌کند. دغدغه اصلی این پژوهش پرداختن به پیوستگی و گسستگی خشونت روانی علیه زنان در عصر جاهلی و عصر نبوی است. بر اساس یافته‌های این پژوهش خشونت روانی علیه زنان که برخاسته از عرف جامعه عرب جاهلی بود، با ظهور اسلام به طور کامل

۱. کارشناسی ارشد تاریخ اسلام گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء، تهران (نویسنده مسئول)

khadijehmansury66@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء، تهران a.valavi@alzahra.ac.ir

متوقف نشد، هرچند سیره اجتماعی زندگی پیامبر (ص) و نزول آیات قرآن در باب حقوق زنان باعث از بین رفتن بعضی از خشونت‌ها شد، ولی در بعضی موارد دیگر این سنت‌ها همچنان به حیات خود ادامه دادند. روش پژوهش در این مقاله توصیفی بوده و نویسندگان کوشیده‌اند با واکاوی و کنار هم گذاشتن ردها و گزارش‌های تاریخی در هر دوره به بیان گسستگی و پیوستگی تاریخی در این دو دوره بپردازند.

کلیدواژه‌ها: خشونت روانی، سنت‌های جاهلی، عصر جاهلی، عصر نبوی.

مقدمه

جامعه و محیط زندگی عرب دوره جاهلی یک محیط بدوی و ناامن بود. (قریش: ۴) تلاش عرب جاهلی در این محیط فقرزده و ناامن بر بقا استوار بود. در این محیط خشن، ضعیف بنا بر طبیعت بدوی قبیله‌ای از بین می‌رفت. زنان هم در دسته این ضعفا به شمار می‌رفتند. بر همین اساس انواع مختلفی از خشونت را تجربه می‌کردند. خشونت علیه زنان انواع مختلفی مانند خشونت جسمی، مالی، اجتماعی و روانی داشت. این خشونت‌ها تابع عرف خشن و مردسالار دوره جاهلی بود. با ظهور اسلام و نزول آیات وحی در خصوص حقوق زنان، برخی سنت‌های جاهلی که مثابه آزار روانی بود؛ مانند زنده‌به‌گور کردن دختران و به ارث رسیدن زنان و محرومیت آنها از دارایی خود از بین رفت و زنان صاحب حقوقی شدند که تا پیش از این از آن محروم بودند. در مقابل برخی دیگر از سنت‌های جاهلی در رابطه با آزار روانی زنان در مقابل آموزه‌های اسلامی مقاومت بیشتری کرد و به‌گونه‌ای دیگر ادامه یافتند. در پژوهش حاضر تلاش شده به مطالعه تطبیقی خشونت روانی علیه زنان در دو دوره جاهلی و اسلامی پرداخته شود و ویژگی‌های هر دو دوره ذکر شود.

اگرچه زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌داده‌اند، در منابع ادوار گذشته

نسبت به جمعیت آنها مطالب اندکی آمده است. از این رو پژوهش در مورد زنان در گام اول با کمی اطلاعات منسجم روبه‌رو است. از این رو نویسنده باید در طیف وسیعی از منابع گذشته اعم از دیوان اشعار، منابع حدیثی و تفسیری و منابع تاریخی به دنبال ردهای تاریخی باشد. در منابعی روایی نظیر الطبرانی (۱۴۱۵)، حاکم نیشابوری (۱۴۱۱)، شیخ صدوق (۱۳۷۶، ۱۳۶۷) و همچنین منابع تاریخی مثل یعقوبی (بی‌تا) و بلاذری (۱۳۹۷) می‌توان مطالبی را در باب زنان یافت. از آنجاکه احادیث نقل شده پیامبر جایگاه بالایی نزد مسلمانان دارد از این جهت کتب روایی مورد توجه بودند در کتاب المعجم الکبیر الطبرانی که بر اساس نام راویان مرتب شده است، احادیث زیادی در نفی خشونت علیه زنان ثبت شده است. المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری کتابی حدیثی در چهار جلد است که در آن می‌توان به مطالبی مثل مقابله پیامبر با تهمت زندگان به زنا، نهی از تجاوز جنسی و زنا، نهی از دواج با محارم، برخورد صحیح با زنان در ایام بیماری‌های ماهانه، خودداری از تماس جنسی با زنان باردار اسیر، منع طلاق قبل از نکاح، تلاش‌های رسول خدا (ص) برای جلوگیری از طلاق و... را یافت. امالی، من لایحضر الفقیه که در همه آنها احادیثی در باب زن نقل شده است که بسیاری از روایات موجود چندان از درجه اعتبار برخوردار نیستند. مهر تأیید غیرمستقیم بر خشونت علیه زنان مهم‌ترین علت برای عدم اعتبار روایات محسوب می‌شود. تأکید افراطی بر ویژگی‌های جسمانی زن در ازدواج و مسئله فرزندآوری زنان و... در شمار این مواردند که می‌توانند بازتولید تفکرات جاهلی را در پوشش دین نشان دهند. تاریخ یعقوبی به شیوه سال‌شمار به ذکر حوادث تاریخی می‌پردازد و به مسائل مربوط به زنان بسیار کوتاه و مختصر ضمن بیان حوادث تاریخی اشاره می‌کند. انساب الاشراف احمد بن یحیی بلاذری که بلاذری ادیبی برجسته در سده سوم بوده و در کتاب خود به انساب قبایل عرب و شاعران عرب پرداخته است. او اطلاعات ارزشمندی درباره زنان خصوصاً زنان صحابه و همسران رسول خدا (ص) و شرایط

زندگی آنها در اختیار محققان گذاشته است.

جایگاه وضعیت زن در اسلام از مباحث مهمی است که محققان داخلی و خارجی از جنبه‌های مختلف به آن پرداخته‌اند و پژوهش‌های مختلفی در این زمینه صورت گرفته است. در میان پژوهش‌های امروزی نیز می‌توان به آثار زن و قرآن تألیف آمنه ودود، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد تألیف محمد حکیم‌پور، شخصیت و حقوق زن در اسلام تألیف مهدی مهریزی، نظام حقوق زن در اسلام تألیف مرتضی مطهری و زن در آینه جلال و جمال تألیف عبدالله جوادی آملی اشاره نمود؛ اما این پژوهش‌ها به طور خاص خشونت‌های روانی را مد نظر ندارند، بلکه به صورت کلی به زن در دوران اسلامی و جاهلی نگاه کرده و طبیعتاً ضمنی به خشونت علیه زنان پرداختند. از آنجاکه نویسنده این مقاله پیشینه مستقلی برای خشونت روانی علیه زنان در دوره جاهلی و اسلامی ندیده، تلاش نموده برای بررسی مسئله این مقاله متکی بر منابع متقدم باشد.

خشونت روانی علیه زنان در کنش و رفتار عرب جاهلی

بسیاری از اعتقادات اعراب در خصوص جایگاه و مقام زن، خشونت روانی نسبت به زنان محسوب می‌شود. مصادیق خشونت روانی در رفتار عرب عبارت‌اند از: بی‌توجهی به دختر و زن و تحقیر آنها. اعراب به دختران خود علاقه‌ای نشان نمی‌دادند. اگر او را نمی‌کشتند، با شرمندگی از دیگران روی خود را می‌پوشاندند. (دورانت، ۱۳۶۶: ۲۰۱-۲۰۲) عکس‌العمل آنها در تولد دختران خود که قرآن به آن اشاره کرده است و احساس شرم از مردم و مخفی شدن از آنها (نحل: ۵۸-۱۶۰ / زخرف: ۱۷) حتی اگر به زنده‌به‌گور کردن نوزاد دختر نمی‌انجامید، رنج بسیاری را برای جامعه زنان و دختران به همراه داشت.

نه تنها مردان که بعضی زنان نیز از تولد فرزند دختر اظهار نارضایتی می‌کردند. برخی اخبار حکایت از این دارند که زنان، تولد پسری نادان را بر ولادت دختر ترجیح می‌دادند. (جاحظ، ۲۰۰۲: ۱/۱۶۴) بی‌توجهی به دختران در حدی بود که اگر آنها از دنیا می‌رفتند نیز برای والدین اهمیت چندانی نداشت. (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴: ۳/۱۴۶) آثار سوء چنین رفتاری در روح و روان دخترانی که شاهد بر این اعمال و برخوردها بودند را نمی‌توان نادیده گرفت.

در فرهنگ اعراب، اگر توجهی به زن می‌شد برای ارضای خودخواهی‌های مرد بود. نگاه ابزاری به زن و توجه جنسی به او از هر تحقیری بدتر بود. حرکت عرب در این مسیر موجب می‌شد حتی همسر او خود را به دلیل عدم برخورداری از زیبایی تحقیر کند. او در برخی موارد ویژگی‌های جسمانی همسر خود را در ملاء عام به سخره می‌گرفت. (دینوری، ۱۴۱۸: ۴/۳۷) وقاحت عرب در بیان این ویژگی‌ها به اندازه‌ای بود که در برخی موارد خصوصی‌ترین اندام زن را نیز شامل می‌شد. (طرفه بن العبد، ۱۴۲۳: ۱/۲۴-۲۵-۶۱؛ قرشی، ۱۴۲۴: ۱۸۵؛ دینوری، ۱۴۱۸: ۴/۲۷ و ۳۷؛ اصفهانی، ۱۳: ۴/۴۵۳) عرب عصر جاهلی با عناوین مختلفی زن را مورد تحقیر قرار می‌داد. (بغدادی، ۱۴۱۸: ۵/۳۶۲، شنتمری، ۱۴۲۲: ۲/۱۱۶؛ ابن طیفور، ۱۰۷: ۱۳۲۶) آنها در تحقیر زن تنها به همسر و دختر و... اکتفا نمی‌کرد. در برخی موارد مادران نیز از جانب آنها مورد تحقیر واقع می‌شدند. برخی شاعران عصر جاهلی در اشعار خود به هجو مادر پرداخته‌اند. (بغدادی، ۱۴۱۸: ۱۱/۹۴، اصفهانی، ۱۴۱۵: ۲/۴۳۵) آنها، زنان را در توانایی‌های روحی نیز غیر قابل مقایسه با مردان می‌دانستند. (واقدی، ۱۴۰۹: ۱/۲۹)

اعراب جاهلی زنان را در ایام بیماری‌های ماهانه طرد می‌کردند. در این ایام با آنها غذا نمی‌خوردند و از هم‌نشینی با آنها دوری کرده (طبرسی، بی‌تا: ۲/۳۰۶) و با آنها در یک خانه ساکن نمی‌شدند. در هنگام حیض از جماع با زنان نیز خودداری می‌شد.

(بغدادی، ۱۴۱۸: ۱/۱۷۵) نجس دانستن زن در این ایام و نزدیک نشدن به او در ایام عادات ماهانه یا زایمان فرزند با این نوع نگاه مسئله داشت. (علی، ۱۹۶۹: ۶/۴۰۷)

مجموعه این رفتارها می‌توانست از نظر روحی برای زنان مخاطره‌آمیز باشد. آنها حتی زنان را در اداره امور زندگی نادیده می‌گرفتند. از آنجاکه عرب، مشورت مردان را با زنان درباره امور مختلف، نشانه ضعف و حماقت مرد می‌دانست، (همان، ۴/۶۱۸) توصیه‌اش به مردان این بود که اگر با زن‌ها مشورت می‌کنند به آن عمل نکنند و حتی عملی مخالف آن انجام دهند. (همان) اگر به ندرت، مشورتی با همسر اتفاق می‌افتاد و کاری با شکست روبه‌رو می‌شد، سرزنش همگان را به دلیل آن مشورت به دنبال داشت و در برخی موارد به طلاق زن می‌انجامید، چراکه می‌گفتند زن برای مشورت خلق نشده و خلق شده تا با او مخالفت کنند؛ سخنان زنان را نباید شنید که اگر توجه به این سخنان بشود پشیمانی به دنبال دارد. (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۲/۲۸۴) پافشاری اعراب در عمل نکردن به توصیه‌های زنان به اندازه‌ای بود که حاضر بودند خطرات بزرگی را در این مسیر به جان بخرند و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به خود و خانواده وارد کنند، فقط برای اینکه برخلاف حرف زنان عمل کرده باشند. (الالوسی بغدادی، بی‌تا: ۱/۱۳۶) اعراب برای تحقیر افراد آنها را به نام زنان منتسب می‌کردند. عرب معمولاً از نام پدر برای معرفی نسب فرد استفاده می‌کرد. استفاده از نام مادر برای معرفی، معنای مثبتی نداشت. اگر مردی پس از رابطه با یک زن او را ترک کرده و به سراغ زن دیگر می‌رفت نسب فرزند به مادرش برمی‌گشت. (علی، ۱۹۶۹: ۱/۵۲۱-۵۲۸)

بیشتر افرادی که به نام مادرانشان منسوب می‌شدند کنیززاده بودند و علت این نام‌گذاری نیز بیشتر تحقیر زن و فرزندانش بود (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۸/۲۴۳، بغدادی، ۱۴۲۲: ۱۵۷) و نگاه منفی عرب به جایگاه کنیزان را نشان می‌داد. (قالی، ۱۴۲۲: ۸۱۱،

ابن‌سلام، ۱۴۰۰: ۲/۷۲۷)

برخی نوادگان این کنیزان را هم به نام آنها منتسب می‌کردند. (بغدادی، ۱۴۲۲: ۱۵۷، اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۷۹/۱) این نگاه در اشعار و دست‌نوشته‌های عرب منعکس شده است. (بغدادی، ۱۴۲۲: ۱۶۰، اصفهانی، ۱۴۱۵: ۳۰۸/۲۴-۳۰۹) اعراب فرزند زنان کنیز را بی‌اصل و نسب می‌خواندند. تنها کسانی که مادر آزاده داشتند خود را با اصل و نسب می‌دانستند و به آن می‌بالیدند. این حس در اشعار آنها به خوبی منعکس شده است. (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۲۹۹/۲۴، قرشی، ۱۴۲۴: ۲۹۹؛ بغدادی، ۱۴۲۲: ۱۶۰) در خصوص سلمی همسر و معشوقه عروه بن ورد عبسی گزارشی وجود دارد که رفتار تحقیق‌آمیز جامعه را در برابر او نشان می‌دهد. (واقدی، ۱۴۰۹: ۳۷۶/۱؛ اصفهانی، ۱۴۱۵: ۲۸/۳)

در برخی موارد، اعراب برای تحقیر فرد او را با شغل مادرش صدا می‌زدند؛ مثلاً او را ای فرزند مادر ختنه‌گر خطاب می‌کردند. (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۱۳۸/۱) در این میان قبایلی نیز به اسم مادر یا زن نام‌گذاری می‌شدند. (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۳۴۷/۲۲؛ بغدادی، ۱۴۲۲: ۲۴۴؛ مبرد: ۱۴۰۷: ۱۸۲/۱) که برای این نام‌گذاری‌ها دلایل متعددی ذکر کرده‌اند که این دلایل برخلاف نگاه بالا نشان‌دهنده نگاه اسطوره‌ای و مقدس‌گرایانه به جنس زن می‌باشد. اعراب برای تحقیر مردان آنها را به صفات زنانه منتسب می‌کردند. آنها مردان بزدل و ترسو یا نرم و منعطف را که به دلیل ترسشان نمی‌جنگیدند به جهت تحقیر، زن می‌خواندند و آنها را به سخره می‌گرفتند. (علی، ۱۹۶۹: ۶۰۱/۴) تکرار این موارد به اندازه‌ای بود که زنان نیز در مواردی با به‌کارگیری همین لفظ زن، مردان را کوچک می‌شمردند و مورد تمسخر قرار می‌دادند. (همان)

در عصر جاهلی، روابط آزاد رواج داشت و چندهمسری و بی‌عدالتی در رفتار با زنان، امنیت روانی لازم در خانه را از زنان سلب می‌کرد (ابن عبد ربّه، ۱۴۰۴: ۹۲/۷-۹۳) و بیشترین چیزی که به شکل فطری و طبیعی، زنان را آشفته می‌کرد داشتن هوو بود. رفتار میان هووها بیشتر رفتاری خصومت‌آمیز همراه با حسادت و جنگ و دعوا بود.

به‌گونه‌ای که در برخی اشعار برای نشان دادن کینه از قاتل پدر آن را به کینه و دشمنی میان دو هوو تشبیه کرده‌اند. (البغدادی، ۱۴۱۸: ۱۱/۴۲۴) از حسادت و دشمنی دائمی بین هووها در ابیات دیگری به بلای ضرائر تعبیر شده است که قطع نمی‌شود و مطابق آن هووها یکدیگر را به دلیل حسادت زشت خطاب می‌کنند. (عسکری، ۱۴۲۰: ۱/۲۲۱) در ابیاتی به سخن صهوی خطاب به همسرش اشاره شده است که می‌گوید می‌ترسم بمیرم، درحالی‌که برای تو هوو نیآورده باشم که به هم گلاویز شوید. آنها با هم دشمن هستند و با صدای بلند به همدیگر فحش می‌دهند. (قالی، ۱۴۲۲: ۳۳۰) اعراب ضرب‌المثل‌هایی نیز درباره هوو دارند. (ابن حمدون، ۱۹۹۶: ۷/۸۴)

پایه‌های نظام خانواده در میان اعراب آن قدر متزلزل بود که زن با استفاده از سحر و جادو سعی می‌کرد بر قلب مرد تأثیر بگذارد و مقام اول را در قلب مرد نسبت به دیگر همسران کسب کند. (علی، ۱۹۶۹: ۶/۷۴۱) برخی مواقع از خرافات برای حفظ زندگی و تداوم دوستی و عشق بین زن و مرد استفاده می‌شد. (همان، ۷۰۸/۶، الالوسی البغدادی، بی‌تا: ۲/۳۲۲) زن جاهلی نه تنها همیشه از داشتن هوو ترس داشت، بلکه آوردن فرزند دختر یا بی‌فرزندی نیز به راحتی می‌توانست بنیان خانواده او را بلرزاند. (جاحظ، ۲۰۰۲: ۱/۱۶۵؛ الالوسی البغدادی، بی‌تا: ۳/۵۱)

در جامعه‌ای که زنا و روابط جنسی آزاد رواج داشت مردان به راحتی می‌توانستند به عمد یا غیرعمد و بدبینانه زنان خود را متهم کنند. مرد عرب در برخی موارد به منظور ازدواج با زن دیگری، همسر خود را به اعمال منافی عفت متهم می‌کرد تا او حاضر شود آنچه را قبلاً به عنوان مهر دریافت کرده است به شوهرش برگرداند. (طبرسی، ۱۳۷۵: ۱/۵۷۱) یا آن‌ها را در مواخیر (جایی که زنان زناکار در آن آماده به خدمت هستند) می‌انداختند برای آنکه از شر آن‌ها خلاص شوند یا از خانواده آن‌ها انتقام بگیرند. (علی، ۱۹۶۹: ۱۳۸/۵) یکی از گزارش‌ها در این خصوص، متعلق به هند دختر عتبه است. (ابن عبد

ربه، ۱۴۰۴: ۹۲/۷) بعضاً زنان با خانواده همسر نیز رفتارهایی قهرآمیز داشتند. زندگی قبیله‌ای و گسترده بودن خانواده در عصر جاهلی، نوعی از زندگی را برای زنان رقم می‌زد که نتیجه آن بر هم خوردن آرامش آنها بود. رابطه مادر شوهر و عروس بیشتر مواقع رفتاری همراه با خصومت و دشمنی میان آن دو بود که امنیت روانی هر دو را بر هم می‌زد (ابن طیفور، ۱۳۲۶: ۱۰۰). اما مواردی از رفتار خوب مادر شوهر با عروس نیز گزارش شده است. (ابن الأثیر الجزری، ۱۴۲۰: ۲۷۴/۲)

موضع قرآن نسبت به خشونت روانی علیه زنان

قرآن دستورات خاصی به مردان در جلوگیری از بدرفتاری‌های عاطفی می‌دهد که قابل توجه‌اند. خداوند به رفتار نیکو با زنان سفارش می‌کند «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ با آنها به نیکی معاشرت کنید (نساء: ۱۹). این رفتار نیک را شامل ادای حقوق ایشان اعم از انصاف در نفقه، نرساندن آزار فیزیکی به زنان، پرهیز از سخن بد و داشتن رفتاری نیک می‌دانند. (طبرسی، بی تا: ۷۹/۵)

پیامبر خدا (ص) نیز به پیروی از فرمان خداوند به شیوه‌های مختلف از زنان تجلیل می‌کرد و به مردان سفارش می‌کرد با آنها اخلاق نیکو پسندیده‌ای داشته باشند. (صدوق، ۱۳۶۷: ۸۸/۵، حسون، بی تا: ۴۶، الطبرانی، ۱۴۱۵: ۲۷۴/۲) توصیه به داشتن رفتار نیکو مناسب با خانواده در سخنان آن حضرت مکرر بیان شده است. (صدوق، ۱۳۶۷: ۲۷۰/۵؛ ابن ماجه، بی تا: ۶۳۶/۱، ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۸۴/۱، یعقوبی، بی تا: ۹۸/۲) پیامبر از ظلم رساندن به زنان نهی می‌کرد. (الطبرانی، ۱۴۱۵: ۱۵۳/۲۳، صدوق، ۱۳۸۱: ۷۲۶) و به عشق ورزیدن به همسر بسیار اشاره می‌فرمودند. (کلینی، ۱۴۳۰: ۵۶۹/۵، ابن حنبل، ۱۰: ۱۲۱/۲۰۰۸، النسایی، بی تا: ۴۱۶)

خداوند در قرآن به تکریم جایگاه مادر و دختر پرداخته است. در این آیه شریفه،

به نیکی به مادر سفارش می‌کند (احقاف: ۱۵). پیامبر نیز در احادیث مختلفی از توجه و محبت به مادر سخن گفته است. (الحاکم النیسابوری، ۱۴۰۱: ۴/ ۱۶۷، شیخ صدوق، ۱۳۷۶: ۴۱۱، طبرسی، ۲۳/۵-۲۶، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ۱۳۹۹: ۲۹۶/۱؛ الطبرانی، ۲۳۲/۱۰؛ ابن الأثیر، ۳: ۱۴۰۹/۳۰۰). قرآن علاوه بر اینکه نگاه انتقادی خود را نسبت به واکنش اعراب در تولد فرزندان دختر خود بیان می‌کند (ر.ک نحل: ۵۸ تا ۶۰، زخرف: ۱۷) از تساوی ارزشی دختر و پسر سخن می‌گوید. همسر عمران و نارضایتی او از تولد مریم با توجه به ذهنیت این زن نسبت به عدم تساوی دختر و پسر با عبارتی که از داناتربودن خدا سخن می‌گوید تصحیح می‌شود. (آل عمران: ۳۵-۳۶)

پیامبر خدا نیز در گفتار و رفتار خود به شیوه‌های مختلف به دختران توجه می‌فرمود تا رسوبات تفکر جاهلی نسبت به دختر را کمرنگ کند. از ایشان احادیث مختلفی رسیده است که نشان‌دهنده جایگاه دختر در نزد ایشان می‌باشد. (ابن الأثیر، ۱۳۹۹: ۱۲۴/۶؛ ابن ماجه، بی تا: ۱۲۱۰/۲، قشیری، ۱۳۹۳: ۴/ ۳۴۷، صدوق، ۱۳۸۱: ۵۰۷) پیامبر نه تنها در مورد توجه و نیکی به همسر، مادر و دختر احادیثی نقل کرده‌اند، بلکه احادیثی نیز در باب توجه به حقوق انسانی کنیزان (المنذری، ۳: ۱۴۲۴/۲۰، الحاکم النیسابوری، ۱۴۰۱: ۵۱/۳) و اسیران (واقدی، ۱۴۰۹: ۲/ ۴۱۲، الیعقوبی، بی تا: ۵۳/۲) نیز از ایشان نقل شده است.

خداوند همچنین از طرد زبانی زنان نهی فرمودند، مردان جاهلی قسم می‌خوردند که با زنانشان رابطه جنسی برقرار نکنند (بقره: ۲۲۶-۲۲۷) و بعضی از آنها وقتی می‌خواستند زن خود را طلاق دهند و از او دوری کنند به او می‌گفتند: انت علی کظهر اُمّی، تو بر من مانند پشت و کمر مادرم هستی و خداوند از این کار نیز منع فرمودند (احزاب: ۴) و برای کسانی که این عمل را انجام دهند مجازات تعیین کرد. (مجادله: ۱-۵) از نظر

مفسرین این حکم مخصوص آمیزش تنها نیست، بلکه اگر سوگند بخورد که با زن حرف نزند، نیز جاری است. (طبرسی، بی تا: ۳۱۷/۲)

در قرآن به نیازهای عاطفی زنان هنگام طلاق نیز توجه شده است. خداوند از مردان می خواهد که زانی را که مورد علاقه آنها نیستند رها کنند و آنها را معلق نگذارند که نه مانند زنان شوهردار و نه مانند زنان بی شوهر باشند. (نسا: ۱۲۹) خداوند به رفتاری نیک با زنان حتی هنگام طلاق سفارش می کند. (طلاق: ۲)

سیره رسول اکرم (ص) در مواجهه با خشونت روانی علیه زنان

پیامبر اکرم (ص) با زنان، رفتاری حاکی از ملاحظت و مهربانی داشت. در قرآن و همچنین در بیان زنان پیامبر به اخلاق خوب ایشان اشاره شده است. (المقدسی، بی تا: ۲/۵، الطبرانی، ۱۴۱۵: ۱۸۴/۸، آل عمران: ۱۵۹، توبه: ۱۲۸، انبیا: ۱۰۷) این خوش اخلاقی در زندگی شخصی پیامبر کاملاً نمود داشت. (ابن کثیر، بی تا: ۷۷/۵، ابوداؤد، ۱۴۳۰: ۱۹۳/۷، ابن جوزی، بی تا: ۳۴۱/۴) پیامبر خدا (ص) میان زن و مرد در معاشرت های خود فرقی نمی گذاشت. گفته اند همان گونه که به خانه مردان می رفت به خانه زنان نیز مراجعه می کرد و با آنها هم سفره می شد. (ابن الاثیر، ۱۴۰۹: ۴۷-۴۹، ابن حنبل، ۲۰۰۸: ۳۴۸/۱۰، ابن خیاط، ۶۳۰: ۱۴۱۵-۶۳۵) پیامبر خدا (ص) علاوه بر اینکه رفتارش با زنان همراه با محبت و احترام بود از مردان می خواست رفتاری مهرآمیز با زنان داشته باشند. (قشیری، ۱۳۹۳: ۶۱/۴؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۴۰/۱؛ بلاذری، ۱۳۹۷: ۴۸۲/۱) پیامبر خدا (ص) در رفتار، عشق و علاقه خود را به دختران نشان می دادند و از این طریق می کوشیدند با حاکمیت فرهنگ دینی، سنت های جاهلی حاکم بر خانواده های عرب را در خصوص بی توجهی و اعمال خشونت نسبت به دختران کنار بزنند. آن حضرت از تولد دختر بسیار خوشحال می شدند و این خوشحالی را ابراز می کردند. (صدوق، ۱۳۶۷: ۱۵۶/۵، صدوق، ۱۳۸۱: ۵۰۸)

زدودن فرهنگ جاهلی از جامعه به راحتی امکان پذیر نبود، اما آن حضرت با رفتار خود برای مردم الگوهای جدید رفتاری را نشان می داد. (صدوق، ۱۳۶۷: ۱۵۷/۵-۱۵۸) رفتار نیکوی پیامبر با دخترانش بهترین الگو برای تغییر رفتارهایی از این دست با دختران بود. (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۳۰۰/۱۴) از رفتار محبت آمیز پیامبر با فاطمه (س) به تواتر در تاریخ خبرهایی نقل شده است. (صدوق، ۱۳۸۰: ۵۹۹/۱-۶۰۱، الحاکم النیسابوری، ۱۴۰۱: ۱۶۷/۳، ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲۲۴/۶) رفتار محبت آمیز رسول خدا (ص) تنها مختص دختران آن حضرت نبود. ایشان با دخترانی غیر از دختران خود نیز با حسن خلق رفتار می کرد. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۵۰/۶، ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۸۵/۸، قشیری، ۱۳۹۳: ۵۱۶/۱-۵۱۷، المقدسی، بی تا: ۱۹/۵) در برخی موارد پیامبر (ص) هدایایی برای دختران و یا نوه ها می آوردند که محبت و توجه آن حضرت را به آنها نشان می داد (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۲/۸ و ۱۸۶، ابن حنبل، ۲۰۰۸: ۱۹۵/۱۰) و درس محبت را به اعرابی که تا آن روز به دختران بی توجهی نشان می دادند می آموخت. بدون تردید اولین گروهی که این رفتارها را می آموختند و به کار می بستند اصحاب رسول خدا (ص) بودند. گزارش هایی مبنی بر رفتار خوب آنها با دخترانشان وجود دارد. (ابن هشام، بی تا: ۵۱۸/۱-۵۱۹، ابن ماجه، بی تا: ۱۲۱۰/۲، قشیری، ۱۳۹۳: ۳۴۷/۴، ابن حنبل، ۲۰۰۸: ۱۰/۱۵ و ۵۶۸)

پیامبر خدا (ص) در مورد کسانی که در کودکی در حق او مادری کرده بودند رفتاری محبت آمیز داشت. (الحاکم النیسابوری، ۱۴۰۱: ۱۸۱/۴) آن حضرت نسبت به دیگر مادران که حتی مشرک بودند نیز سفارش به نیکی می کرد. (ابن الاثیر، ۱۴۰۹: ۲۳۹/۶) پیامبر اجر احترام و توجه به مادر را به اندازه جهاد در راه خدا می دانستند. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۴/۷)

بیشترین گزارش هایی که از عشق پیامبر (ص) به همسرانش آمده است در مورد خدیجه و عایشه می باشد. عبارت مشهور ایشان در مورد خدیجه «و کنت لها عاشقاً فسألت

الله ان یجمع بینی و بینها» (ذهبی، ۱۴۰۹: ۱/۲۵۳ و ۲/۲۹۷) مکرراً در کتب و منابع نقل شده است. (ابن کثیر، بی تا: ۳/۱۵۹ و ۳۰۰؛ ابن الأثیر، ۱۴۰۹: ۶/۸۳-۸۵). روابط پیامبر (ص) و همسرانش حتی در ایام عبادت و ماه رمضان تغییر نمی کرد. (بخاری، ۱۳۹۲: ۲/۴۰۳ و ۴۲۳؛ قشیری، ۱۳۹۳: ۲/۲۵۶؛ ابن حنبل، ۲۰۰۸: ۹/۶۰۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۳۶/۸). پیامبر نه تنها با همسرانش رابطه‌ای از سر عشق و محبت داشت بلکه در کارهایش نیز با آنان مشورت می کرد و نظر آنان را محترم می دانست. درحالی که روایات و احادیثی منتسب به رسول خدا (ص) در خصوص پرهیز از مشورت با زنان برگرفته از سنت‌ها و تفکرات جاهلی است که با سیره آن حضرت سازگاری ندارد. رسول گرامی اسلام خدیجه (س) را وزیر و مشاور خود می دانست (ر.ک: المقدسی، بی تا: ۵/۱۰) و از زنان خویش مشورت می گرفت. (واقدی، ۱۴۰۹: ۲/۶۱۲-۶۱۳)

مردانی که به همسرانشان بی توجهی می کردند و اوقات خود را به روزه و عبادات دیگر می پرداختند از سوی پیامبر (ص) به تجدیدنظر در رفتارشان توصیه می شدند. (بخاری، ۱۳۹۲: ۵/۶۲۰-۶۲۱؛ الاصبهانی، ۱۳۹۴: ۱/۱۸۷ و ۲۸۵) پیامبر (ص) از اصحاب خود می خواست با همسرانشان به نیکی رفتار کنند. (الطبرانی، ۱۴۱۵: ۱/۲۶۱؛ ابن حنبل، ۲۰۰۸: ۷/۱۳۷) آن حضرت در نزاع میان زن و شوهر واسطه خیر می شد. (ر.ک ابن سعد، ۱۴۱۰: ۷/۳۷-۳۸، ابن حنبل، ۲۰۰۸: ۳/۶۳۹، ابن الأثیر، ۱۴۰۹: ۱/۱۲۳) آن حضرت با بی توجهی اصحاب به زنان و خانواده‌شان برخورد می کردند. بی توجهی به زن و خانواده اثرات سوئی از نظر روانی بر زنان می گذارد به همین جهت توجه به آنها از توصیه‌های مؤکد رسول خدا (ص) به مردان بوده است. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۴/۱۹۸-۱۹۹؛ بخاری، ۱۳۹۲: ۲/۳۴ و ۵۴)

پیامبر با اسیران رفتاری نیکو داشت و به یاران خود نیز خوش رفتاری با اسیران را توصیه می کردند. برخلاف عصر جاهلی که به زنان اسیر تجاوز می کردند و بدون

ازدواج با آنها وارد رابطه می‌شدند در عصر نبوی پیامبر به ازدواج یا رهایی آنها و آزاد کردنشان توصیه می‌کردند. در خصوص رعایت حال کنیزان و توجه به آسایش آنها در سیره پیامبر (ص) و اصحاب ایشان اخبار زیادی وارد شده است. آزادکردن کنیزان، فراهم کردن زمینه برای مسلمان شدن و ازدواج ایشان از مواردی بود که رسول خدا (ص) هم خود به آنها عمل می‌کرد و هم دیگران را به آن توصیه می‌فرمود. حضور کنیزان در خانه مسلمانان و مشاهده حسن رفتار ایشان در بیشتر موارد موجب مسلمان شدن آنها می‌شد که همین امر نیز زمینه را برای آزادی ایشان فراهم می‌کرد. (ر.ک ابن ماجه، بی‌تا: ۸۴۶؛ طبری، ۱۳۷۳: ۳/۳۷۰، ابن‌ال‌ثیر، ۱۴۰۹: ۶/۳۵۰) توجه رسول اکرم (ص) به کنیزان و سفارش‌های ایشان مبنی بر آزادکردن آنها موجب می‌شد اصحاب متمکن آن حضرت نیز برای آزادکردن آنها مداومت کنند. (ابن‌ال‌ثیر، ۱۴۰۹: ۶/۱۲۳؛ ابن‌هشام، بی‌تا: ۲/۴۴۸)

برخلاف عصر جاهلی که در هنگام اسارت زنان آنها را از فرزندانشان جدا می‌کردند پیامبر از این کار نهی فرمودند. (صدوق، ۱۳۶۷: ۴/۲۹۶-۲۹۷) آزادکردن کنیزان آنچنان به مثابه یک ارزش در بین مسلمانان مطرح شده بود که می‌مونه ترجیح داد با اینکه خویشاوندانش نیازمند بودند کنیز خود را نفروشد و آزاد کند. (ر.ک ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۸/۱۰۹) آن حضرت در مواردی با زنان اسیر ازدواج می‌کردند. چند تن از همسران پیامبر اسیران جنگی بودند که پیامبر آنها را به ازدواج خود درآورد. (الیعقوبی، بی‌تا: ۲/۵۲-۵۳؛ واقدی، ۱۴۰۹: ۲/۵۲۱) همچنین اصحاب نیز با زنان اسیر ازدواج می‌کردند. (ابن‌حنبل، ۲۰۰۸: ۶/۴۴۹)

همچنین پیامبر زنان اسیر را آزاد می‌کردند؛ گرچه این رفتار برای عرب جاهلی امری تازه بود، زیرا آنان در زمان جاهلیت نه تنها زنان اسیر را آزاد نمی‌کردند، بلکه هر رفتاری که تمایل داشتند با آنها انجام می‌دادند. (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲/۴۸۹، واقدی، ۱۴۰۹:

۹۵۲/۳) اخباری برخلاف روایت‌های فوق در منابع آمده است که حکایت از بخشش و یا فروش اسیران می‌کند. درحالی‌که با سیره پیامبر در تضاد است و نشان‌دهنده فرهنگ جاهلی است. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۶۹/۲، الیعقوبی، بی‌تا: ۵۲/۲-۵۳، ابن‌کثیر، بی‌تا: ۵/ ۲۳۷، طبری، ۳: ۸۷/۱۳۷۳، ابن‌هشام، بی‌تا: ۴۸۹/۲) پیامبر خدا وقتی رفتار تحقیرآمیز مردان با زنان را مشاهده می‌کرد با آن رفتار به شدت مقابله می‌کردند. (واقدی، ۱۴۰۹: ۲/ ۸۶۶-۸۶۷؛ ابن‌سعد، ۸: ۲۱۹/۱۴۱۰؛ الاصبهانی، ۱۳۹۴: ۱۶۱/۱) تحقیر زنان با برملاکردن مسائل زناشویی نیز در میان اعراب وجود داشت مردان از روابط خصوصی خود با همسرانشان سخن می‌گفتند و در برخی موارد آن را در اشعار خود منعکس می‌کردند. (قشیری، ۱۳۹۳: ۶۲۱/۲؛ الاصبهانی، ۱۳۹۴: ۱۸۵/۱)

همچنین مردم فرزندان کسانی را که کارهای دستی می‌کردند با تحقیر صدا می‌زدند و مادران آنها را نیز به باد سخره می‌گرفتند؛ اما پیامبر با این نگاه حقارت‌آمیز مقابله می‌کردند. (ابن‌الأثیر، ۱۴۰۹: ۱۳۸/۶) این حمایت به‌گونه‌ای بود که حتی از تحقیر با نام مادر زناکار نیز جلوگیری می‌کردند. (طبرسی، بی‌تا: ۲۱۱/۲۳-۲۱۲). تحقیر زنان از طریق انتساب صفات زنانه به مردان نیز هنوز در جامعه وجود داشت و خصوصاً مشرکان عصر نبوی هنوز بر سنت‌های جاهلی خود پایبند مانده بودند (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹: ۳۶/۱ و ۹۶؛ بلعمی، ۱۳۷۳: ۱۱۳/۳) بدون تردید رگه‌هایی از این نگاه تحقیرآمیز به زنان حتی در جامعه زنان نیز رخنه کرده بود. (واقدی، ۱۴۰۹: ۲۷۷/۱-۲۷۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۳۱/۲؛ ابن‌کثیر، بی‌تا: ۹/۴) تحقیر زنان توسط زنان حتی در میان زنان پیامبر نیز گزارش شده است. (طبرسی، بی‌تا: ۲۱۲/۲۳؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۶۱/۸؛ طبرسی، ۱۳۷۵: ۹۴/۶-۹۵)

در مسئله تعدد زوجات بدرفتاری‌های عاطفی نسبت به زنان گزارش شده است. رسول خدا (ص) در زمان حیات خدیجه کبری (س) همسر دیگری اختیار نکرد. به

نظر می‌رسد آیه شریفه: «ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه...» (احزاب: ۴) وجود عشق و تکرارناپذیری آن را در قلب مردان و زنان طبیعی جلوه می‌دهد. توجه این اصل در خلقت زن و مرد نشان می‌دهد که عشق به معنای اصیل و حقیقی آن تکرارناپذیر است و تعدد خیالی آن در هر قلب سالمی کدورت ایجاد می‌کند. شاید این عبارت رسول خدا (ص) در خصوص خدیجه کبری (س): کنت لها عاشقاً و عدم تکرار آن در خصوص سایر زنان آن حضرت نشان‌دهنده این اصل باشد. اخبار فراوانی در منابع وجود دارد مبنی بر اینکه همسران پیامبر (ص) رفتارهایی ستیزه‌جویانه با یکدیگر داشته‌اند؛ که این رفتار ستیزه‌گر از زبان خود همسران پیامبر نیز عنوان شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸/ ۷۹، طبرسی، بی‌تا: ۱۰۸/۱۷، ابن‌کثیر، بی‌تا: ۲/ ۲۵۰) این رفتارها شامل حسادت و فخر فروختن به یکدیگر نیز بود. (ر.ک ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸/ ۹۹-۱۰۰؛ واقدی، ۱۴۰۹: ۲/ ۶۷۵) در برخی موارد نیز رسول خدا (ص) نسبت به این رفتارها از خود واکنش نشان می‌دادند. گفته شده است آن حضرت برای برخورد با رفتارهای زینب سه ماه از رفتن نزد او خودداری کردند. (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸/ ۱۰۰)

بسیاری از همسران پیامبر (ص) در برخوردها و تقابل‌های میان یکدیگر، به تحقیر و تمسخر یکدیگر متوسل می‌شدند و هریک برتری خود را به رخ دیگری می‌کشید. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸/ ۹۳، ابن‌الْأثیر، ۱۴۰۹: ۶/ ۱۲۵) حسادت و رقابت میان هووها در زنان پیامبر نیز مشاهده می‌شود. (بخاری، ۱۳۹۲: ۱/ ۲۱۰، ابن‌هشام، بی‌تا: ۲/ ۶۴۲) به خاطر حسادتی که میان همسران پیامبر بود گاه مشاجره‌های تندی میان آنها صورت می‌گرفت. (قشیری، ۱۳۹۳: ۲/ ۶۵۳) این حسادت به‌گونه‌ای بود که بر رفتار با پیامبر نیز تأثیر می‌گذاشت (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸/ ۱۰۹، طبرسی، بی‌تا: ۲۵/ ۱۲۹-۱۳۰)؛ اما اینگونه نبود که میان همسران پیامبر فقط فضایی حاکی از حسادت و فخر حاکم باشد گاه زنان پیامبر رابطه‌ای از سر محبت نیز با یکدیگر داشتند (ابن‌الْأثیر، ۱۴۰۹: ۶/ ۸۷)

حسادت و رقابت هووها با یکدیگر در زندگی اصحاب و سایر مردم نیز وجود داشت. برخی زنان به شدت از ازدواج مجدد همسران خویش ناراضی بودند و عدم رضایت خود را از این مسئله بروز می دادند. زنان اصحاب از این مسئله مبری نبودند (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸۶/۷؛ الطبرانی، ۱۴۱۵: ۲۰۴/۴) توصیه برخی شعرای عرب به مردان که از گرفتن دو زن امتناع کنند، چون از حسادت میان آنها به آرامش نمی رسند (ر.ک: قالی، ۱۴۲۲: ۳۰۱-۳۰۲) توصیه بسیار جدی است. سرزنش و ملامت و محیطی بدون امنیت روحی و روانی نصیب چنین مردانی خواهد شد. (همان) بیان کوچک ترین مطلبی در فضای چندهمسری می توانست روحیه زنان را بیازارد که البته این مسئله ریشه در عدم اعتماد به نفس آنها نیز دارد. (قشیری، ۱۳۹۳: ۶۸۵/۲)

زنان در برخی موارد به دلیل نیاز اقتصادی مجبور بودند تحت هر شرایطی زندگی مشترک خود را ادامه دهند. (قشیری، ۱۳۹۳: ۷۳۱/۴؛ صدوق، ۱۳۶۷: ۲۱۴/۵-۲۱۵) زنان در جو غالب بر خانواده های چندهمسری، برای جذب همسران خود در مواقعی مانند عصر جاهلی متوسل به سحر و جادو می شدند. نزول آیات قرآن که بالحنی انتقادی به این مسئله نگاه می کند نشان دهنده تداوم چنین اموری حتی در عصر نبوی دارد. سحر و جادو برای زن وسیله ای می شد که شوهرش را از زنان دیگر دور نگه دارد با آن بر قلب مرد تأثیر بگذارد و از آن برای اینکه مقام اول را در نزد او کسب کند یا برای جدا کردن بین مرد و بقیه همسرانش استفاده می کرد. (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۲۸/۱) در قرآن از این سحر و جادو نهی شده است و جادوگران را ملامت می کند. (ر.ک بقره: ۱۰۲، ر.ک علی، ۱۹۶۹: ۷۴۱/۶) زنی که شوهرش را سحر کند تا کنار خود نگه دارد شرک است، چون اگر اثر کند، خلاف اراده خداوند است. (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۲۰۰/۱) پیامبر نیز از آن نهی فرموده است. (بخاری، ۱۳۹۲: ۲۸۳/۳-۲۸۴، ابن حنبل، ۲۰۰۸: ۱۴۸/۴ و ۲۵۲، ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲۲۹/۵)

پیامبر در مواجهه با بدزبانی که یکی از جنبه‌های دیگر خشونت روانی است موضع می‌گرفتند. پیامبر خود هرگز ناسزا نمی‌گفت و نفرین نمی‌کرد. (المقدسی، بی تا: ۱/۳۱۴-۳۱۵) اما دشنام و بدزبانی در میان اعراب رواج داشت. این رفتار نسبت به کنیزان خشن‌تر بود. گزارش‌های فراوانی وجود دارد که از مقابله رسول خدا (ص) با بدزبانی حکایت می‌کند. (صدوق، ۱۳۶۷: ۲/۴۳۸؛ بخاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۵؛ قشیری، ۱۳۹۳: ۳/۱۳۱) در مواردی گفته‌اند افراد نزد پیامبر می‌آمدند و با اعتراف به بدزبانی از ایشان کمک می‌گرفتند. (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۲/۱۵۶) برخی مسلمانان وقتی متوجه بدرفتاری‌ها و اهانت‌ها و دشنام‌ها به کنیزان می‌شدند در جهت آزادکردن آنها تلاش می‌کردند. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۷/۷۲-۷۳) بدرفتاری و دشنام و نفرین حتی در میان صحابه و همسران و خانواده‌هایشان نیز رواج داشته است. (الواقدی، ۱۴۰۹: ۱/۲۰۴، بخاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۹۵) در برخی موارد به اشتباه خود پی می‌بردند و سعی در جبران رفتار خشن خود می‌کردند و در مواردی نیز در این مقابله ناتوان بودند. (الواقدی، ۱۴۰۹: ۱/۲۰۴)

زنان رسول خدا (ص) نیز در بسیاری از اختلافات فی مابین خود به یکدیگر دشنام می‌دادند. رسول خدا (ص) در مواردی دخالت می‌کرد و آنها را از اینگونه سخن گفتن‌ها باز می‌داشت. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸/۱۰۰، بخاری، ۱۳۹۲: ۳/۱۹۰-۱۹۳)

رسول خدا (ص) با وجود آزار و اذیتی که در محیط خانه از برخوردهای همسران با یکدیگر و با آن حضرت می‌دید، اما هیچ‌گاه با آنها تندی نکرد. حتی وقتی با خطاهای همسران روبه‌رو می‌شد از خشونت با آنها پرهیز داشت. حتی یک گزارش از تندخویی آن حضرت با همسران خود وجود ندارد؛ در حالت خشم نیز ایشان از تعابیر مفید و سازنده استفاده می‌کرد.

نتیجه

در دوره جاهلی انواع مختلفی از خشونت علیه زنان وجود داشته است که در قالب‌های مختلف خشونت مانند خشونت جسمی، روانی، اقتصادی، اجتماعی و... اعمال می‌شده است. از جمله مواردی که در باب خشونت روانی بر زنان اعمال می‌شده است بی‌توجهی به زنان و دختران و زنده‌به‌گورکردن دختران، نگاه ابرازی به زنان و تمسخر ویژگی‌های جسمی و جنسی آنان، نجس دانستن زنان در زمان عادت ماهیانه و طرد آنان در این ایام، تمسخر زنان در اشعار خود، بی‌توجهی به سخنان زنان و اصرار بر عمل نکردن به نصایح آنان، تحقیر مردان با انتساب آنها به نام و یا شغل مادر، رواج چندهمسری و راحت بودن بدنام کردن زنان به وسیله تهمت زدن به آنها، ظهار را می‌توان نام برد.

در عصر جاهلی گزارشی دال بر مجازات مرتکبین وجود ندارد. ولی با ظهور اسلام قوانین بازدارنده از زنان آسیب‌پذیر حمایت می‌نمود. در عصر نبوی خشونت روانی علیه زنان به عنوان یک معضل وجود داشت اما پیامبر (ص) برای مبارزه با آن قوانین و دستورالعمل‌هایی صادر کردند. امکان تغییر بسیاری از رفتارهای عرب جاهلی هم که در جامعه نهادینه شده بود به سرعت و در بازه زمانی کم وجود نداشت. زنان در عصر نبوی مأمونی یافته بودند که به آن پناه می‌آوردند و از خشونت‌هایی که مردان به آنها تحمیل می‌کردند به پیامبر (ص) شکایت کرده و از ایشان مدد می‌خواستند. پیامبر اکرم (ص) در جهت متوقف کردن خشونت و رفع مشکلات ناشی از آن با توجه به رهنمودهای خداوند که در آیات قرآن به آنها اشاره شده در عرصه نظر و عمل موضع‌گیری می‌کردند.

با ظهور اسلام ملاک برتری نه جنسیت، بلکه تقوا بود و زن نیز صاحب حقوقی شد که باعث از بین رفتن بعضی سنت‌های جاهلی یا کم‌رنگ شدن آنها شد از جمله اینکه زنده‌به‌گورکردن دختران طبق آیه صریح قرآن ممنوع شد و پیامبر (ص) سعی

نمودند با تکریم مقام دختر خود ارزش و احترام جایگاه دختران را به خانواده وارد نماید. تمسخر و توهین به زنان ممنوع شد و قرآن از اینکه بعد از ایمان آوردن همچنان طبق سنت جاهلی یکدیگر را با نام‌های زشت خطاب کنند انتقاد نمود. زنان در زمان عادت ماهیانه نجس شمرده نمی‌شدند و طرد آنها از بین رفت، تهمت زدن به زنان اگر که قادر به اثبات جرم نبودند مستوجب مجازات شلاق شد و این امر کمک روانی بزرگی برای زنانی بود که تا پیش از آن در جاهلیت به راحتی با اتهام فحشا طلاق داده می‌شدند و مهریه آنها باز پس گرفته می‌شد. طبق آیه قرآن ظهار ممنوع شد و دیگر مردان نمی‌توانستند از این طریق همسران خود را تهدید نمایند.

با این وجود در گزارش‌های مختص به این دوره که در برخی منابع ثبت شده‌اند می‌توان شاهد برخی خشونت‌های نظری بود که با رویکرد اصلی قرآن و سیره عملی پیامبر (ص) متضاد به نظر می‌رسد. هرچند در بسیاری از امور سنت‌های جاهلی رنگ و لعاب خود را از دست داد و تسلیم فرهنگ اسلامی شد؛ اما بعضی از سنت‌های جاهلی همچنان به حیات خود ادامه دادند از جمله اینکه همچنان ویژگی‌های زنانه به دیده تحقیر نگریسته می‌شد و برای توهین به مردان آنها را با زنان مقایسه می‌نمودند، در دوره نبوی هنوز می‌توانیم مواردی را مشاهده نماییم که با کنیز خواندن مادر شخص و یا شغل مادر فرد را تحقیر می‌نمودند، چند همسری هرچند محدود شد ولی در قالب جدید ادامه داشت و مشکلاتی که بین هووها وجود داشت در بعد از اسلام هم همچنان مشاهده می‌شود.

منابع

١. قرآن
٢. نهج البلاغه
٣. ابن اثیر، مجدالدین ابوالسعادات المبارک. (١٣٩٩/١٩٧٩م). النهایه فی غریب الحدیث و الاثر. تحقیق طاهر احمد الزاوی محمود محمد الطناحی. بیروت: المکتبه العلمیه.
٤. ابن الأثیر، عزالدین أبوالحسن علی بن ابی الکریم. (١٣٨٥/١٩٦٥). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر - دار بیروت.
٥. ابن الأثیر الجزری الموصلی، ضیاءالدین نصرالله بن محمد. (١٤٢٠). المثل السائر فی أدب الکاتب و الشاعر. محقق محمد محیی الدین عبد الحمید. بیروت: مکتبه العصریه.
٦. ابن الأثیر، عزالدین أبوالحسن علی بن محمد الجزری. (١٤٠٩/١٩٨٩). أسد الغابه فی معرفه الصحابه. بیروت: دار الفکر.
٧. ابن جوزی، ابوالفرج. (بی تا). المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک. بی جا: ناشر دارالکتب العلمیه.
٨. ابن حیب البغدادی، أبو جعفر محمد. (١٤٢٢). أسماء المغتالین من الأشراف فی الجاهلیة و الإسلام. محقق سید حسن کسروی بیروت: دار الکتب العلمیه.
٩. ابن حمدون، محمد بن حسن بن محمد بن علی. (١٩٩٦). التذکره الحمدونیه، محقق: إحسان عباس و بسکر عباس. بیروت: دار صادر.
١٠. ابن حنبل، احمد. المسند. (٢٠٠٨). بیروت: دارالکتب العلمیه.
١١. ابن خیاط، أبی هبیره اللیثی العصفری. (١٤١٥/١٩٩٥). تاریخ خلیفه. تحقیق فواز. بیروت: دارالکتب العلمیه.
١٢. ابن سعد، محمد بن منیع الهاشمی البصری. (١٤١٠/١٩٩٠). الطبقات الکبری. تحقیق محمد عبد القادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
١٣. ابن سلام، محمد بن سلام جمحی. (١٩٨٠/ق ١٤٠٠) طبقات فحول الشعراء. محقق أبوفهد محمود محمد شاکر. جدة: دارالمدنی.
١٤. ابن طیفور، ابوالفضل احمد بن ابی طاهر. (١٣٢٦هـ-١٩٠٨م). بلاغات النساء. محقق احمد الالفی. القاہرہ: مطبعه مدرسه والده عباس الاول.

۱۵. ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله. (۱۹۹۲/۱۴۱۲). الاستیعاب فی معرفة الأصحاب. تحقیق علی محمد البجاوی. بیروت: دار الجیل.
۱۶. ابن عبد ربه الأندلسی، أحمد بن محمد. (۱۴۰۴ ق). العقد الفريد. محقق مفید محمد قمیحه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۷. ابن قتیبه دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم. (۱۹۹۸ / ق) (۱۴۱۸). عیون الأخبار. محقق یوسف علی طویل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۸. ابن کثیر الدمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر. (بی تا). البداية و النهاية. المحقق علی شیری. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. ابن ماجه، محمد بن یزید. (بی تا). سنن. بی جا: دار احیاء الکتب العربیه.
۲۰. ابن هشام، عبدالملک الحمیری المعافری. (بی تا). السیره النبویه. تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی. بیروت: دار المعرفه.
۲۱. ابو الفرج اصفهانی، علی بن الحسین. (۱۹۹۴ / ق) (۱۴۱۵). الأغانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. ابو علی قالی، ابو علی اسماعیل بن القاسم. (۲۰۰۱ / ق) (۱۴۲۲). الأمالی. محقق صلاح بن فتحی هلال و سید بن عباس الجلیمی. بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
۲۳. ابو هلال عسکری، محمد بن عبد الله. (۲۰۰۰ / ق) (۱۴۲۰). جمهره الأمثال. محقق محمد أبو الفضل إبراهیم و عبد المجید قطامش. بیروت: دار الفکر و دار الجیل.
۲۴. ابونعیم الاصبهانی، احمد بن عبد الله. (۱۳۹۴ هـ / ۱۹۷۴ م). حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء. مصر: الناشر السعاده بجوار.
۲۵. الالوسی البغدادی، محمود شکری. (بی تا). بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب. محمد بهجه الاثری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۶. بابن البیع، ابو عبد الله الحاکم. (۱۴۱۱-۱۹۹۰). المستدرک علی الصحیحین. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۷. بخاری، امام ابو عبد الله محمد بن اسماعیل. (۱۳۹۲). صحیح البخاری. مترجم عبدالعلی نور حراری. تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
۲۸. بغدادی، عبد القادر بن عمر. (۱۴۱۸ ق / ۱۹۹۸ م). خزانه الأدب و لب لباب لسان العرب.

- محقق محمد نبیل طریفی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۹. بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۹۷). انساب الاشراف. ج ۲، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۳۰. بلعمی، ابوعلی محمد. (۱۳۷۳). تاریخنامه طبری. تحقیق محمد روشن. تهران: جلد ۳، ۴، ۵، البرز.
۳۱. جاحظ، أبوعثمان عمرو بن بحر. (۲۰۰۲). البیان و التبیان. محقق علی ابو ملحم. بیروت: دار و مکتبة الهلال.
۳۲. علی، جواد. (۱۹۶۹م). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت: دارالعلم المالیین.
۳۳. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. (۱۴۰۹). تاریخ اسلام عهد الخلفاء راشدین. بیروت: دارالکتب عربی.
۳۴. شنتمری، أبو الحجاج یوسف بن سلیمان. (۱۴۲۲). أشعار الشعراء الستة الجاهلیین. محقق إبراهیم شمس الدین. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۵. صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه قمی. (۱۳۸۱ ش). پاداش نیکی ها و کیفی گناهان. محمد علی مجاهدی. قم: انتشارات سرور.
۳۶. صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه قمی. (۱۳۷۶ ش). امالی. ترجمه کمره‌ای. تهران: اسلامیه.
۳۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه قمی. (۱۳۶۷ ش). من لا یحضره الفقیه. ترجمه علی اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق.
۳۸. الطبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب. (۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م). المعجم الکبیر. تحقیق حمدی بن عبدالمجید السفلی. القاهرة: مکتبه ابن تیمیه.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا). تفسیر مجمع البیان. مترجمان حسین نوری همدانی، احمد بهشتی. تهران: فراهانی.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۵). تفسیر جوامع الجامع. مترجمان علی عبد الحمیدی، اکبر غفوری. مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی.
۴۱. قرشی، أبو زید محمد بن أبی الخطاب. (۲۰۰۰ / ق ۱۴۲۴). جمهرة أشعار العرب. محقق علی فاعور. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۲. قشیری، امام ابوالحسین مسلم بن الحجاج. (۱۳۹۳). صحیح مسلم. مترجم خالد ایوبی

- نیا. ارومیه: موسسه انتشاراتی حسینی اصل.
۴۳. الکلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۳۰). الکافی. المحقق مرکز بحوث دارالحدیث. المترجم دارالحدیث للطباعة و النشر. بی جا: ناشر دارالحدیث.
۴۴. مبرد، أبو عباس محمد بن یزید. (۱۹۸۷ ق ۱۴۰۷). الكامل فی اللغة و الأدب. محقق تغارید بیضون و نعیم زرزور. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۵. محمد، حسون. (بی تا). اعلام النساء المومنات. بی جا: دار الاسوه للطباعة و النشر.
۴۶. المقدسی، مطهر بن طاهر. (بی تا). البدء و التاریخ. بور سعید. بی جا: مكتبة الثقافة الدینیة.
۴۷. المنذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی. (۱۴۲۴هـ-۲۰۰۳م). الترغیب و الترهیب. ابراهیم شمس الدین. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴۸. النسای، احمد بن شعیب بن علی. (بی تا). سنن. بی جا: بیت الافکار الدولیة.
۴۹. الواقدی، محمد بن عمر. (۱۹۸۹/۱۴۰۹). المغازی. تحقیق مارسدن جونس. بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۵۰. دورانت، ویل. (۱۳۶۶). تاریخ تمدن. مترجمان ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده، ابوالقاسم طاهری. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۵۱. الیعقوبی، احمد بن أبی یعقوب. (بی تا). تاریخ الیعقوبی. بیروت: دار صادر.